

بنام خدا

شهید علی منصوری بیستم فروردین سال 1364 در اصفهان به دنیا آمد. وی با مدرک دیپلم تجربی در سال 1390 به عنوان متصدی خدمات در بیمارستان عیسی ابن مریم مشغول به کار شد و در زمان شیوع کرونا در بخش سی سی یو به بیماران کرونایی خدمت می کرد. وی متا سفانه در حین خدمت به ویروس کرونا مبتلا شد. شهید علی منصوری در هفتم مرداد ماه 1399 در اثر عوارض ابتلا به این ویروس به شهادت رسید. پیکر این شهید پس از برگزاری مراسم تشییع و وداع همکارانش، در گلستان شهدای اصفهان به خاک سپرده شد، روحش شاد

علی منصوری که همزمان با شهادت امام محمد باقر علیه السلام به شهادت رسید، دو پسر 10 و 6 ساله دارد. پسرهایی که حالا مادرشان باید برایشان هم پدر باشد و هم مادر.

در مورد وضعیت تجهیزات محافظتی در بیمارستان محل خدمت هم سرش، گفت: از رییس ICU و CCU پرس و جو کردم و گفتند خدا رو شکر از نظر تجهیزات به همه پرسنل می رسیدند. خودم هم به بیمارستان رفتم و همین وضعیت را دیدم. از این نظر مشکل خاصی نبوده است. اما به هر حال قسمت شوهر من این اتفاق بوده و اینکه به آرزویش برسد.

همسر شهید: رضایت ندادم شوهرم مدافع حرم شود

چند سال پیش همسر من می خواست مدافع حرم شود اما رضایت من لازم بود و من رضایت ندادم. با فراگیری بحران کرونا به من گفت خانم من، شما آنجا رضایت ندادی اما اینجا من به آرزویم می رسم. همین اتفاق هم افتاد.

سخنرانی های آقا را از اول تا آخر گوش می داد

همسر شهید درباره رابطه علی منصوری با ائمه و اسلام، گفت: خیلی عاشق ائمه و مخصوصا امام حسین (ع) بود. ولایتمدار بود، عاشق مقام معظم رهبری بود. سخنرانی های آقا را از اول تا آخر گوش می داد. از آنجا که شبکه افق خانواده شهدا را نشان می داد، همیشه آن شبکه را می دید. همزمان با صحبت همسران شهدا و فرزندان آنها، اشک می ریخت. خیلی عاشق امام حسین، حضرت زینب و حضرت رقیه بود. عاشقانه دوستان داشت. آخرش هم خودش به شهادت رسید.

می گفت الآن باید کنار مردم باشم

این همسر شهید افزود: از زمانی که این ویروس آمد، چند بار گفتم علی جان نرو، خطرناک است. اما می گفت من خدمت به مردم را دوست دارم، الآن باید کنار مردم باشم. رفت، کار خودش را هم انجام داد و ... {بغض}.

وی در مورد آرزوهای همسر شهیدش گفت: دو پسر داریم به نام ابوالفضل و حسین. همیشه می گفت دوست دارم بچه هایم جای بهتر بزرگ شوند. محله مان کمی پایین شهر بود و آرزویش این بود که بچه هایمان را از آن محله نجات دهد. زیرا بچه هایش را با فهم و شعور می داند و دوست داشت در جایی بزرگ شوند که خوب درس بخوانند و به جایی برسند. بیشتر دغدغه اش این بود که خانه اش را عوض کند و بچه هایش را به مدرسه ای خوب بفرستد.

خانم جعفری درباره رابطه همسرش با فرزندان، اظهار داشت: ابوالفضل 10 ساله است و حسین هم 6 ساله است. خیلی بچه هایش را دوست داشت. وقتی از سرکار برمی گشت، با وجود خستگی و چشم هایی قرمز، دوشی می گرفت و با بچه هایش بازی می کرد. این روزها را می توانم از شهادت همسرم زیرا در مسیر کمک به هموطنانش جان باخت ولی نگران آینده فرزندانم هستم.



REDMI NOTE 8
AI QUAD CAMERA

